

Additional Verses in Khwaja Abdullah Ansari's Munajat: A Critical Analysis

***Muhammad Safeer**

****Shagufta Yaseen Abbasi**

Abstract:

Khwaja Abdullah Ansari is the most famous Sufi of the fourth century AH, who is known all over the world for his Munajat. He has always been considered significant among the people of Tariqah and Sufism. However, in various editions of the Munajat, there are many poems and verses that are ascribed to him but in fact all these verses are additions in the Khawaja Abdullha's work and as such no authentic evidence has been found regarding his Poetry in Persian language. Although, Nur ad-Din Abdar-Rahman Jami only praises his memory of poetry in his book Nafahat al-Uns. Therefore, in the present article, an Analysis will be made on the verses which have been added to Munajat as in those verses which are not Ansari's but are there in the book will be sorted out and presented along with the original names of their poets.

Key Words: Khawaja Abdullah Ansari, Munajat, Sufisim, Additional Verses, fourth century

بررسی انتقادی اشعار الحاقی در مناجات خواجه عبدالله انصاری

*محمد سفیر

** شگفته یسین عباسی

چکیده:

خواجه عبدالله انصاری عارف قرن چهارم هجری است که در سراسر جهان بیشتر به خاطر مناجات خود معروف است. وی همواره مورد توجه اهل طریقت و آشنایان معارف تصوف بوده است. اگرچه در چاپ های مختلف مناجات نامه اشعار زیادی وجود دارند که به وی نسبت داده می شوند که درحقیقت الحاقی هستند و هیچ ربطی به خواجه ندارند و هیچ سندی هم به شاعر بودن وی در دست نداریم. حتی جامی نیز در نفحات الانس از حافظه اش تعریف کرده است. بنا بر این در مقاله حاضر تلاش بر این است تمام اشعار که در مناجات آمده است بررسی شود و اشعار الحاقی که وارد مناجات شده است، با اسم شاعرانی استخراج شده خدمت خوانندگان قرار بگیرد.

کلید واژه ها: مناجات ، اشعار الحاقی، مشایخ ، شاعران متصوف ، سبک قرن چهارم .

*مدیر گروه و استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ملی زبان های نوین، اسلام آباد msafeer@numl.edu.pk

** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی ، دانشگاه ملی زبان های نوین ، اسلام آباد . vasinshagufta@yahoo.com

مقدمه:

1- نگاهی به شرح احوال خواجه عبدالله انصاری:

خواجه عبدالله انصاری یکی از برجسته‌ترین عارف قرن چهارم است که به لحاظ تالیفات و مقام ارشاد تعلیمی که داشته در تاریخ تصوف اسلامی همواره مورد توجه اهل طریقت و آشنایان به معارف تصوف بوده است. خواجه، معاصر آلب ارسلان سلجوقی بود و نسب وی به ابو ایوب انصاری از یاران پیغمبر (ص) می‌رسید. در زمان خلافت حضرت عثمان (رض)، ابو منصور پسر ابویوب انصاری به خراسان آمد و در هرات اقامت گزید و ازدواج نمود. پس از شش نسل از نوادگان ابویوب، در ماه شعبان بهار سال 396 هـ ق از ابو منصور محمد در کهنوز هرات پسری پا به عرصه حیات نهاد که نام او را عبدالله نهادند. (خرمشاهی، مقدمه مناجاتنامه: 1390)

جامی در نفحات الانس می‌گوید که خواجه عبدالله انصاری فرموده است: «چون چهار ساله شدم مرا در دبستان مالینی کردند و چون نه ساله شدم، املا نوشتم و چهارده ساله بودم که مرا به مجلس بنشانند و من در دبیرستان ادب خرد بودم که شعر می‌گفتم. « (جامی، 332) و جامی نیز گفته است که خواجه شعرهای فارسی را به عربی فی البداهه ترجمه می‌کرد. وی حافظه فوق العاده‌ای داشت و بیشتر از هفتاد هزار بیت زبان عربی و سیصد هزار حدیث یاد داشت و هر تحریری که از قلم خواجه می‌گذشت حفظش می‌شد. (همان، 334)

خواجه در علم حدیث و تفسیر دستی گشاده داشت و مشایخ بسیار دیده و از آن‌ها کسب فیض نمود. وی از مجلس درس ابو محمد خلال بغدادی، یحیی بن عمار شیبانی، سجستانی، و شیخ ابو سعید ابو الخیر کسب فیض نمود. خواجه در بازگشت از سفر حج به آشنایی و زیارت مرشدش ابو الحسن خرقانی مشرف شد. این آشنایی و ملاقات وی با شیخ صوفی شهیر عصر در وی سخت مؤثر افتاد و ذوق و مشرب عرفانی او را به شکوفایی نشاند. (خرمشاهی، مقدمه مناجات نامه 1390) خواجه خود گفته است:

«شیخ من را حدیث و علم شرع بسیار اند، اما پیر من در این کار یعنی تصوف شیخ ابو الحسن خرقانی است، اگر من خرقانی را ندیدم، حقیقت ندانستمی، همواره این به آن در می‌آمیختی، نفس با حقیقت،» (جامی، 336)

خواجه عبدالله که لقب شیخ الاسلام گرفته و مریدان بسیاری داشت در پایان عمر نابینا شده بود و سرانجام صبح روز جمعه 22 ذی الحجه سال 481 ق برابر 8 مارس 1089 درگذشت و در درگاه در نزدیکی هرات به خاک سپرده شد. (ژرژ بوکوری، ترجمه، دکتر راون فرهادی، 1381: 213)

2- بررسی شعرهای الحاقی در مناجات نامه خواجه عبدالله انصاری :

خواجه عبدالله انصاری بیشتر از دوازده اثر فارسی و عربی را به یادگار گذاشته است، اما مناجات وی در سراسر جهان مورد توجه علاقه مندان تصوف و عرفان و به ویژه زبان و ادبیات فارسی قرار گرفته است. مناجات نامه در اصل کتاب مستقلی نیست بلکه از کتاب های دیگر خواجه از جمله: کشف الاسرار و عدة الابرار و طبقات الصوفیه به قلم ارادتمندان و شاگردانش فراهم آمده است. بهاردر وصف نثر مناجات می نویسد:

« نثر مسجع در ایران از آغاز پیدا آمدن نثر دری موجود بوده است لیکن این شیوه به خطبه های کتاب یا در مورد ترجمه بعضی کلمات قصار انحصار داشته و کتاب یا رساله ای که بالتمام مسجع باشد بیشتر از قرن ششم تا به حال دیده نشده است. ظاهراً باید نخستین مسجع ساز فارسی را شیخ السلام عبدالله انصاری شمرده، تصنیفهای دارد که معروفتر از همه مناجات های اوست» (بهار، 1349، ج 2: 240)

کتاب مناجات نامه خواجه به همت همکاران محترم و به کوشش بنده به زبان اردو ترجمه شده و به چاپ رسیده است. برای ترجمه از دو نسخه مناجات نامه، یکی تصحیح و مقدمه شهاب الدین خرمشاهی، انتشارات دوستان، سال 1390 تهران و دیگری مناجات نامه به تصحیح آصف فکرت چاپ کابل افغانستان استفاده شده است. اما در اثر خرمشاهی در لابلای مناجات اشعار زیادی فارسی دیده می شود که به خواجه نسبت داده شده است و در نسخه آصف فکرت محقق افغانی هیچ شعری یافت نمی شود. شایسته به ذکر است که در دوران ترجمه و تحقیق، ما با نظریه های مختلف محققان راجع به شاعر بودن یا نبودن خواجه نیز روبرو شدیم که در این مقاله توضیح داده خواهد شد. نورالدین جامی در نفحات الانس می نویسد که خواجه عبدالله انصاری فرموده است:

« چهارده ساله بودم که مرا به مجلس بنشانند و من در دبیرستان ادب خُرد بودم که شعر می گفتم. » و نیز گفته است، وی فی البدیهه شعر عربی می گفت و همکلاسی هایش از وی خواهش می کردند که درباره فلان مطلب شعر بگو، بی درنگ شعر می گفت. یکی از همکلاسی ها که پسر خویشاوندش بنام خواجه یحیی اعمار بوده و پدری فاضل داشت، به پسرش گفت: وقتی مدرسه رفتی به خواجه بگو که شعر زیر را به عربی ترجمه کند:

روزی که به شادی گذرد روز همانست	و آن روز دگر روز بداندیشان است
و یوم الفتی ماعاش فی مسره	وسایره یوم الشفاء عصیب
رم الوصل مادمت السعاده فالدجی	بتنغیض عیش الاکرمین رقیب

(جامی، 1337: 333)

جامی در یک جا فقط به شاعر بودن خواجه اشاره می کند اما هیچ شعر فارسی خواجه را به طور سند نیاورده است. اما موضوع برگرداندن اشعار فارسی به عربی، سندی راهگشا به دست خوانندگان می دهد.

دکتر شفیعی کدکنی محقق و دانشمند و استاد دانشگاه تهران بر این باور است که خواجه شعر فارسی نمی سرود و در کتاب "در هرگز و همیشه انسان" (از میراث عرفانی خواجه عبدالله انصاری) می نویسد:

«اگر خواجه امروز زنده شود از نود و پنج درصد آنچه در فارسی به نام او شهرت دارد، تبری خواهد کرد، چه به اعتبار ساخت و صورت و چه به اعتبار جانب معنوی و مایگانی. درین گونه نوشته ها که گاه شعرهای فارسی سست ناتندرستی با تخلص (پیر انصار) و (پیر انصاری) در آن ها آمده است، گوینده با زبان قرن دهم و یازدهم یعنی شش قرن بعد از خواجه عبدالله و در حدی عامیانه سخن می گوید، درین نوشته ها شعرهایی دیده می شود که شاعر فرق ردیف و قافیه را تشخیص نمی دهد و وزن عروضی را هم نمی شناسد:

عرش با لوح و قلم منزل درویشان	در دل کون و مکان کل کل
است	درویشان است
قوت پنج حواس و دادش هفت و	جنبش ارض و سما قوت درویشان
چهار	است

که می بینید در بیت دوم وزن را باخته و منزل را با قوت قافیه کرده است» (کدکنی، 42:1394)

بنا بر این در مقاله حاضر تلاش بر این است تا تمام اشعار که در مناجات آمده است بررسی شود و اشعار الحاقی که وارد مناجات شده است، با اسم شاعران استخراج شده خدمت خوانندگان عزیز قرار بگیرد. اشعار الحاقی در مناجات به قرار زیر می باشد.

سنائی

مهمترین قسمت اشعار مناجات نامه را اشعار سنائی در بر می گیرد. حکیم ابوالمجد مجدود بن آدم سنائی یکی از استادان مسلم شعر فارسی است که در قرن ششم می زیسته است. او در نیمه دوم قرن پنجم در غزنین به دنیا آمد. او در اوایل وابسته به دستگاه غزنویان بود و قدیم ترین مدحی که در دیوان وی به چشم می خورد، مدح مسعود بن ابراهیم است. ولی خیلی زود، سنائی تغییر حال پیدا می کند و از غزنین پا بیرون می نهد و در بلاد خراسان با رجال بزرگ علم و عرفان کسب فیض می کند. سنائی چندین سال از عمرش در شهرهای مختلف از قبیل: بلخ، سرخس، هرات و نیشاپور گذراند و سپس راه کعبه در پیش گرفت. بعد از بازگشت از مکه چندین سال در شهرهای مختلف از بزرگان کسب فیض کرده، در سال 518 به غزنین بازگشت.

«سنائی بعد از بازگشت به غزنین از جهان و جهانیان گوشه گرفت و به نظم اشعار خود ادامه داد و به اتمام کتاب حقیقه الحقیقه همت گماشت تا بسال 535 درگذشت و در غزنین به خاک سپرده شد» (صفا، 1386 ، 275)

آثار سنائی شامل یک دیوان با بیش از سیزده هزار بیت و چند مثنوی است، از قبیل : حقیقه الحقیقه ، سیر العباد ، طریق التحقيق و غیره... .

اما، اشعاری که از دیوان سنایی برگرفته شده و در مناجاتنامه خواجه عبدالله آمده است به قرار زیر است:

-1

و آن سیاهی کز پی ناموس حق	در عرب بوالیل بود ، اندر قیامت
ناقوس زد	بونهار
باش تا کل بینی ¹ آنها را که	باش تا گل یابی ² آنها را که
امروزند جزو	امروزند ³ خار
مناجات: 5 (سنائی، 132: 110)	

-2

همی گوید که دنیا را بدین از دیو	اگر دنیا همی خواهی بده دین و ببر
بخردیم	دنیا
گر از آتش همی ترسی به مال کس	که اینجا صورتش مالست و آنجا
مشو غره	شکلش از درها
(همان، 50) مناجات : ص 18	

-3

گر تو پنداری ترا لطف خدائی نیست	بر سر خوبان عالم پادشائی نیست
هست	هست
ور چنان دانی که جان پاکبازان را ز	با جمال خاک پایت آشنائی نیست
عشق	هست
در خیال آری که چون برداری از	از تو قندیل فلک را روشنائی نیست

¹ در مناجات «یابی» نوشته شده است .

² در مناجات «بینی» آمده است .

³ در مناجات «اکنونند» است .

رخ زلف را

هست

مناجات 43 (همان، ص 601)

-4

کسی کاندل صف گبران⁴ به

برابر کی بود با آن که دل در خیر

بتخانه⁵ کمر بندد

و شر بندد

(همان، 64) مناجات 6

-5

ای خداوندان مال، الاعتبار الاعتبار

ای خدا خوانان⁶ قال، الاعتبار الاعتبار

پیش از آن کاین جان عذر آور، فرو

پیش از آن کاین چشم عبرت بین،

میرد⁷ ز نطق

فروماند ز کار

(همان، 109) مناجات 8

-6

تا تو مرد صورتی از خود نبینی راستی

مرد معنی باش و گام از هفت دریا در گذار⁸

(همان، 194) مناجات 18

-7

همی گوید که دنیا را بدین از دیو بخریدم

اگر دنیا همی خواهی بده دین و ببر دنیا

گر از آتش همی ترسی به مال کس مشو غره

که اینجا صورتش مالست و آنجا شکلش اژدها

9

(همان، 50) مناجات 18

-8

گر¹⁰ تو پنداری ترا لطف خدائی نیست هست

بر سر خوبان عالم پادشایی نیست هست

⁴ در مناجات «مردان» نوشته شده است.

⁵ در مناجات «می خواری» نوشته شده است.

⁶ در مناجات «خداوندان» آمده است.

⁷ در مناجات «ماند» نوشته شده است.

⁸ در مناجات بعد از هفت واژه گردون هم آمده است.

⁹ در مناجات بدین گونه آمده: اگر دینت همی باید، ز دنیا دار (دل) بگسل ورت دنیا همی باید، بده دین و ببر دنیا
همی ترسی به مالی بس مشو غره که این جا صورتش مالست و آن جا شکلش اژدها

¹⁰ در مناجات «ار» نوشته شده است

ور چنان¹¹ دانی که جان پاکبازان¹² را ز¹³ با جمال خاک پایت آشنایی نیست هست
عشق مناجات 43 (همان ، 601)

-9

من که باشم که به تن رخت وفای تو کشم
ور¹⁴ تو با¹⁵ من به تن و جان و دلم¹⁶ حکم
دیده حمّال کنم بار جفای تو کشم
هر سه را رقص کنان پیش هوای تو کشم
مناجات 44 (همان 680)

-10

پس¹⁷ جمله بدانید که در عالم پاداش
ما را مقصود¹⁸ ببخشایش حق بود
آنها که درین راه بدادیم بدیدیم
المنت الله به مقصود رسیدیم
مناجات 44 (همان ، 795)

-11

آب و گل را زهره مهر تو کی بودی اگر
هم ز لطف خود نکردی در ازلشان بختیار¹⁹
مناجات 51 (همان ، ص 193)

-12

برگ بی برگی نداری لاف درویشی مزین
رخ چو عیاران نداری جان چو²⁰ نا²¹ مردان
مکن
(مناجات 56 (همان ، ص 375)

همچنین بسیاری از اشعار دیگر سنائی در این مناجات مندرج شده اند که به سبب پرهیز از اطالة کلام همه را نمی توان آورد.

ابو سعید ابو الخیر :

¹¹ در مناجات « چنین » آمده است .
¹² در مناجات « نیک مردان » نوشته است .
¹³ در مناجات « به » آمده است .
¹⁴ در مناجات « گر » نوشته شده است .
¹⁵ در مناجات « بر » آمده است .
¹⁶ در مناجات « دلی » آورده شده است .
¹⁷ در مناجات « سر » آورده شده است .
¹⁸ در مناجات قبل از مقصود « همه » هم آمده است .
¹⁹ در مناجات « اختیار » آمده است .
²⁰ بجای چو در مناجات « چنان » نوشته شده است .
²¹ در مناجات « نا » را نیاورده است .

قسمت دوم اشعار مناجات را رباعیات ابو سعید ابی الخیر تشکیل می دهد. ابوسعید، از عارفان بزرگ و چهره درخشان ادبیات عرفانی، در سال 357 هجری در هرات چشم به جهان گشود. در حدود سیزده سالگی مقدار زیادی شعر عربی و فارسی را از بر کرد. در همین سالها به مرو رفت و ده سال در آموزش فقه مشغول بود. بعد از ده سال به سرخس رفت و به خانقاه ابوالفضل حسن سرخسی راه یافت. «در اینجا بود که تغییر حالت یافت و جذبه ای در جانش روی نمود که او را از تحصیل علوم رسمی و دائمی که در اوراق و کتب نوشته شده است و در محضر استاد خوانده شود، بازداشت. وی پس از تغییر حالت به میهنه بازگشت و در سرای پدرش در زاویه ای که ویژه خویش آماده کرده بود به زهد و انزوا و تربیت نفس پرداخت (زمردی، 1385ش، ص 10). ابو سعید ابو الخیر در سال 440 هجری در زادگاه خود چشم از این جهان فرو بست.

اما، اشعار ابو سعید ابوالخیر که در مناجاتنامه خواجه عبدالله آمده به قرار زیر است:

1-

باز آ باز آ هر آنچه هستی باز آ	گر کافر و گبر و بت پرستی باز آ
این درگه ما درگه نومیدی نیست	صد بار اگر توبه شکستی باز آ
	(ابوالخیر، بی تا، ص 1) مناجات 15

2-

الله بفریاد من بیکیس رس	لطف و کرم یار من بی کس بس
هر کس به کسی و حضرتی ²² نازد	جز حضرتی ²³ تو ندارد این بیکیس بس ²⁴
	(همان، 38) مناجات#52

3-

ای آنکه به ملک خویش پاینده تویی	وز ²⁵ دامن شب صبح نماینده تویی
کار من بیچاره قوی بسته شده	بگشای خدایا که گشاینده تویی مناجات، 40
	(همان، 70)

4-

در خانه خود نشسته بودم دل ریش	وز بار گنه فگنده بودم سر پیش
-------------------------------	------------------------------

²² در مناجات بعد از حضرتی «می» اضافی دارد.

²³ در مناجات «حضرت» آمده

²⁴ در مناجات «کس» نوشته شده است.

²⁵ در مناجات «در» آورده شده است.

آواز آمد که غم مخور ای درویش²⁶ تو در خور خود کنی و ما درخور خویش
مناجات، 40 (همان ، 40)

-5-

جانی دارم ز عشق تو کرده رقم خواهش به شادی کش و²⁷ خواهش
به غم
مناجات، 54 (همان ، 50)

-6-

آنی که تو²⁸ حال خسته حالان²⁹ دانی در³⁰ خوانمت از سینه سوزان شنوی
احوال دل شکسته بالان دانی
گر دم نزنم زبان لالان دانی
مناجات، 64 (همان ، 68)

-7-

بی³¹ درد تو اندیشه درمان نکنم جانان³³ تو اگر جان طلبی خوش باشد
بی³² زلف تو آرزوی ایمان نکنم
اندیشه جان برای جانان نکنم
مناجات، 83 (همان ، 48)

-8-

در باغ روم کوی توام یاد آید بر گل نگریم روی توام یاد آید
در سایه سرگردان³⁴ بنشینم
سرو قد دلجوی توام یاد آید
مناجات ، 132 (همان ، 22)

-9-

یارب ز گناه زشت خود منفعلم وز قول بد و فعل بد خود خجلم

²⁶ در مناجات « بنده » نوشته شده است .

²⁷ در مناجات « و » حذف شده است .

²⁸ در مناجات « تو » قبل از که نوشته شده است .

²⁹ در مناجات به جای خسته حالان « خسته دل نالان » آمده است .

³⁰ در مناجات « در » آمده است .

³¹ در مناجات « بی » نوشته شده است .

³² در مناجات « با » آمده است .

³³ در مناجات « جانان » نوشته شده است .

³⁴ در مناجات « سرو اگر دمی » آمده است .

فیضی به دلم ز عالم قدس رسان
تا محو شود خیال باطل ز دلم
مناجات، 134 (همان ، 49)

-10

در هر سحری با تو همه³⁵ گویم بر در گه تو همی کنم عرض
راز نیاز
بی منت بندگانم³⁶ ای بنده نواز کار من بیچاره سرگشته بساز
مناجات، 143 (همان ، 36)

رودکی سمرقندی:

اشعاری هم از رودکی ، پدر شعر فارسی، در مناجات نامه نقل شده است که در زیر به آن اشاره می-شود.

ابو عبدالله جعفر بن محمد سمرقندی در قرن چهارم هجری در رودک چشم به جهان گشود. رودکی کور مادر زاد بود و این امر را ناصر خسرو نیز در یک شعر آورده است. می‌گوید :

اشعار زهد و پند بسی گفته است آن شاعر تیره چشم روشن بین

رودکی در کودکی حافظه قوی داشته و به همین علت در هشت سالگی قرآن را حفظ کرده بود. چون صدایی خوش داشت یکی از رامشگران آن دوره او را به شاگردی پذیرفت و به او نواختن بربط آموخت. « نصر بن احمد ، امیر بخارا با جوایز و هدایای بسیار وی را بی نیازی و توانگری می داد و بلعمی وزیر دانشمند و ادب پرور سامانیان ، او را در میان عرب و عجم بی مانند می دانست» (یاحقی ، 1390ش، ص 30).

از ابیات رودکی بیشتر از هزار بیت در دست نداریم. رودکی اواخر عمر خود را در تنگدستی و ناخشنودی گذرانده بود. مقبره رودکی هم اکنون در رودک قرار دارد.

و اما، اشعار رودکی که در مناجات‌نامه خواجه عبدالله آمده است:

هر شب نگرانم به یمن تا تو زیرا که سهیلی و سهیل از یمن آید
برآیی

کوشم که بپوشم صنما نام تو از تا نام تو کم در دهن انجمن آید³⁷

³⁵ در مناجات « همی » نوشته شده است

³⁶ در مناجات « بندگانم » نگاشته شده است .

³⁷ در مناجات بجای این مصراع « ز اول سخنی نام تو اندر دهن آیند » آمده است .

خلق

با هر که سخن گویم اگر خواهم و
اول سخنم نام تو اندر دهن آید
گر نی³⁸
(مناجات 18، سمرقندی ، 1373
ص 50)

عطار نیشابوری:

اشعاری از فرید الدین عطار نیز در مناجات نامه به چشم می خورد که در زیر آورده شده اند .
فرید الدین عطار شاعر بزرگ و عارف معروف در سال 540 هـ چشم به جهان گشود. پدرش عطر و دارو می فروخت و عطار نیز کار پدر را دنبال می کرد که ناگهان انقلاب باطنی به وی دست داد. عطار قسمت بزرگی از عمرش را در سفر گذراند و از مکه تا ماورالنهر بسیاری از مشایخ را زیارت کرده بود. بدیهی است که سخن عطار با سوز عشق همراه است و ازین می توان استنباط کرد که « مولانا عطار پرمایه ترین شاعر صوفیه است؛ زبان او هر گز به مدح و هجو و هزل آلوده نشده ، بلکه پیوسته در بیان معانی عرفانی ، خدانشناسی ، راه و رسم سلوک و تصوف ، ترویج ملکات فاضله و تهذیب نفس از شرور و مفاسد به کار رفته است» (زمردی ، 1384ش، ص 51).

عطار آثار زیادی دارد، از جمله : تذکره الاولیاء ، دیوان اشعار ، الهی نامه ، مصیبت نامه و منطق الطیر و غیره. عطار در سال 618 به دست مغولی کافر کشته شد. آرامگاه او اینک در نیشابور واقع است. و اما، اشعار عطار که در مناجات نامه آمده است:

به هر کویی مرا تا کی دوانی	زهر زهری مرا تا کی چشانی
شبنانی را کجا آن قدر باشد	که تو بی واسطه وی را بخوانی
چو بنده مست شد دیدار خود را	خطاب ³⁹ آید که موسی لن ترانی
	مناجات، 68، (عطار، 1341: 68)

انوری:

در مناجات نامه تعدادی شعر نیز از انوری به چشم می خورد که در زیر آورده شده اند.
اوحدالدین محمد بن محمد انوری ابیوردی از شاعران بزرگ قرن ششم به شمار می رود . « دوران جوانی انوری به طوس در تحصیل علوم گذشت و او گذشته از ادبیات که در آن به غایت قصوی رسید، به فلسفه و ریاضیات نیز توجه داشت و در عین اشتغال به علم در شعر نیز مهارت حاصل کرد و هم در

³⁸ در مناجات بجای این مصراع « کوشم که به پوشم صنما تو بر خلق » نوشته شده است .

³⁹ در مناجات بجای خطاب « جواب » نوشته شده است .

جوانی به دربار سنجر راه یافت و قسمت بزرگی از عمر خود را در خدمت آن سلطان گذرانید» (صفا، 138: 288) او چندین سال بعد از سنجر زنده بوده است و در سال 583 وفات یافت.

و اما، اشعار انوری که در مناجات‌نامه آمده است:

در وصل همی بسوزم از بیم زوال	در هجر همی بسوزم از شرم خیال
در هجر نسوزد و بسوزد ز وصال	پروانه شمع را همین باشد حال

مناجات، 29 (انوری، 1364: 1004)

هلالی جغتائی:

اشعار از هلالی جغتائی هم در مناجات جای گرفته است که در زیر نوشته شده است. بدر الدین هلالی استرآبادی جغتائی در استر آباد چشم به جهان گشود. او شاعر توانای پایان عهد تیموری بود. هلالی در عنفوان جوانی زادگاهش را ترک کرده راه هرات را در پیش گرفته بود و به خدمت امیر کبیر امیر علیشیر نوائی دسترسی پیدا کرده بود.

بعد از وفات امیر علی شیر نوائی، پسرانش بدیع الزمان و مظفر حسین دیری سلطنت نداشتند و خراسان محل منازعات شاه اسماعیل صفوی و شبک خان اوزبک بود؛ ولی هلالی همچنین در هرات متمکن بود. هنگامی که عبيدالله خان بر هرات تصرف یافت گروهی از شیعیان یا متهمان به تشیع را به قتل رسانید و یکی از آنان هم هلالی بود.

و اما، اشعار:

نی عیش و تنعم جهان می خواهم	نی از تو حیات جاودان می خواهم
آنی که رضای تست، آن می خواهم	نی کام دل و راحت جان می خواهم

مناجات، 124، (جغتائی، 1337: 215)

فخرالدین عراقی:

برخی اشعار از شاعر بزرگ و صوفی وارسته، عراقی، نیز وارد مناجات نامه شده است که در زیر از آن یاد می‌شود.

فخر الدین عراقی شاعر بلند مرتبه ایران در قرن هفتم در «کميجان» از توابع اراک به دنیا آمد. خانواده عراقی اهل فضل و علم بوده است. می‌گویند در هفده سالگی عراقی بر جمله علوم معقول و منقول مطلع شده بود. «به گونه ای که در شهر همدان مجلس درسی داشت که دیگران از آن بهره می‌بردند. در جوانی تغییر حال به او دست داد و رخت از مدرسه به خانقاه کشید، پس از چند سال از ایران به

هندوستان رفت و در مولتان به خانقاه شیخ بهاء الدین زکریای مولتانى مؤسس سلسله سهروردیان مولتان راه یافت» (زمردی ، 1385: 75).

آثار عراقی شامل: دیوان اشعار که دارای پنج هزار بیت است؛ عشاق نامه که بالغ بر 1063 بیت است و اثر معروف دیگر «لمعات» است. رساله ای نیز در شرح «مصطلحات صوفیه» به او منتسب است. و اما، اشعار:

اندر همه عمر⁴⁰ خود شبی وقت نماز⁴¹ آمد بر من خیال معشوق فراز
برداشت ز رخ نقاب و می گفت مرا⁴² باری، بنگر ، که از که می مانى⁴³ باز
مناجات، 145، (عراقی ، 1338: 315)

امیر معزى:

دو شعر نیز از امیر معزى در مناجات نامه آورده شده که در زیر نقل می شود.
امیر الشعرا ابو عبدالله محمد بن عبدالملک معزى نیشابورى یکی از شاعران استاد و زبان آور خراسان و معاصر خواجه عبدالله است. پدرش نیز شاعر دربار الپ ارسلان سلجوقی بود. معزى خود به دربار ملکشاه سلجوقی اختصاص داشت و تخلص نیز به علت بازبستگی بخدمت آن سلطان است چون او نیز مانند پدرش، ملک الشعراى دربار سلجوقی بود. «سه کس از شعرا در سه دولت اقبالها دیدند و قبولها یافتند چنانکه کس را ان مرتبه میسر نبود. یکی رودکی در عهد سامانیان و عنصری در دولت محمودیان و معزى در دولت ملکشا» (صفا ، 1386: 261).
شعر زیر در دیوانش آمده است:

یار از غم من خبر ندارد گویی یا خواب به من گذر ندارد گویی
تاریک ترست ز هر زمانی شب من یارب شب من سحر ندارد گویی
(مناجات، 12) (معزى ، 1362: 730)

فخر الدین اسعد گرگانی:

شعری از ویس و رامین معروفترین اثر فخر الدین اسعد گرگانی نیز در مناجات مندرج شده است که در زیر نقل می شود.

⁴⁰ در مناجات بجای «خود» «من» آمده است
⁴¹ در مناجات بجای «نماز» به ناز نوشته شده است .
⁴² در مناجات این مصراع بدینگونه آمده است : برداشت نقاب من مرا گفت به ناز
⁴³ در مناجات به جای «مانی» «ماندستی» نوشته شده است .

راجع به احوال و آثار فخر الدین گرگانی اطلاعات کافی در دست نداریم البته طبق اشعارش در می یابیم که این شاعر بزرگ در اوایل قرن پنجم چشم به جهان گشود و بعد از این اتمام تحصیلات به شاعری پرداخته بود و در حین فتوحات طغرل بیگ سلجوقی همراه او بوده است ولی وقتی که طغرل بیگ به قصد همدان از اصفهان بیرون رفت، فخر الدین اسعد در خدمت حاکم اصفهان ماند.

«در ملاقاتهایی که میان فخرالدین اسعد و ابوالفتح مظفر دست می داد یک روز حدیث داستان ویس و رامین بر زبان حاکم اصفهان رفت و مذاکرات آن دو به نظم این داستان انجامید»

(صفا، 1386: 225)

از اشعارش پیداست که وفات این شاعر بعد از سال 446 اتفاق افتاده باشد.

ویس و رامین:

چه باشد گر خوری یک تیمار چو بینی دوست را یک لحظه⁴⁴ دیدار

مناجات، 76 (گرگانی 1349: 373)

عین القضات همدانی:

شعری از صوفی معروف قرن ششم عین القضات همدانی هم در مناجات نامه آمده است که در زیر مندرج شده است.

عین القضات همدانی در اواخر قرن پنجم در همدان چشم به جهان گشود. عین القضات ابو المعالی عبدالله بن محمد بن علی میانجی یکی از مشایخ متصوفه قرن ششم به شمار می آید. اجداد عین القضات از شهر میانه تعلق داشتند وی در عنفوان جوانی بدست متعصبان کشته شد.

چندان ناز است ز عشق تو در سر من کاندر غلطم که عاشقی تو بر من

مناجات، 31، (همدانی، 1969: 93)

مهستی گنجوی:

شعری از مهستی گنجوی شاعره ایرانی هم در مناجات نامه آمده که در زیر نوشته شده است. مهستی گنجوی شاعره ایرانی معاصر سلطان سنجر بوده است. راجع به احوال این شاعره چیزی در دست نیست. البته اشعار پراکنده اش در تذکره ها یافت می شوند.

هر چند بر آتشم نشاند غم تو غمناک شوم گرم نماند غم تو

مناجات، 51 (گنجور، رباعی 156)

نتیجه گیری:

⁴⁴ در مناجات «روز» آورده شده است.

این تحقیق مبنی بر سه نسخه جداگانه مناجات نامه از جمله : جداگانه مناجات نامه از جمله مناجات نامه تصحیح شهاب الدین خرمشاهی ، مناجات نامه تصحیح سبز علی، علی پناه و مناجات نامه آصف فکرت چاپ افغانستان می باشد در آخر این تحقیق ما به این نتیجه رسیده ایم که اشعاری که درین مناجات وارد شده اند بیشتر از آن شاعران معاصر خواجه عبدالله انصاری بودند. همچنین، غالب امکان همین است که خواجه شاعر نبوده بلکه این همه اشعار الحاقی هستند که به او نسبت داده شده اند؛ ولی با وجود این ما چندین جا در همین مناجات با اشعاری روبرو می شویم که در مصرعه آخر آنان تخلص انصاریا یا پیر هرات یا عبدالله هم آمده است که برای ما جای سؤال دارد، چون این تخلص به جز عبدالله انصاری هیچ کس به کار نبرده است. پس ممکن است که خواجه عبدالله انصاری در مناجات نامه لا به لای نثر مسجع اشعاری را نیز جا داده باشد، مانند سعدی که در گلستان همراه با نثر مسجع اشعاری نیز می آورد. ولی پاسخ به این پرسش که آیا این اشعار از عبدالله انصاری هستند یا نه، خود تحقیقی دیگری لازم دارد.

منابع و ماخذ:

- ##. ابوالخیر ، ابو سعید (بی تا) رباعیات ابو سعید ابو الخیر ، لاهور ، مطبوعه کریم پریس .
- ##. انوری ، (1364ش) دیوان انوری ، ج دوم ، به اهتمام محمد تقی مدرس ، تهران ، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
- ##. بهار، محمد تقی (1349)، سبک شناسی یا تاریخ تطور نثر فارسی، چاپخانه سپهر، تهران
- ##. جامی، مولانا عبدالرحمن بن احمد، نفحات الانس من حضرات القدس، به تصحیح و مقدمه، مهدی توحیدی پور، انتشارات کتاب فروشی محمودی، 1337 هـ ق
- ##. جغتائی ، هلالی (1337ش) دیوان هلالی جغتائی ، به تصحیح سعید نفیسی ، تهران ، انتشارات سنائی.
- ##. رودکی، ابو عبدالله جعفر، (1373ش) دیوان رودکی سمرقندی ، بر اساس نسخه سعید نفیسی ، ی - برآگینسکی ، مؤسسه انتشارات نگاه، تهران.
- ##. رومی ، جلال الدین محمد (1368ش) کلیات شمس تبریزی (ج دوم) با مقدمه و شرح و لغات و اصطلاحات از بامداد جویباری ، تهران ، انتشارات گلشنائی .
- ##. رومی ، جلال الدین محمد (1376) کلیات شمس تبریزی ، به اهتمام بدیع الزمان فروزنفر ، تهران ، انتشارات امیر کبیر.
- ##. زمردی ، حمیرا (1385) گزیده متون ادب فارسی ، تهران ، انتشار زوار .
- ##. زرژبورکوی، (1381) سرگذشت خواجه عبدالله انصاری هروی، ترجمه، راون فرهادی، موسسه فرهنگی، هنری، سینمایی الست، فردا، تهران.
- ##. صفا ، ذبیح الله (1386ش) تاریخ ادبیات ایران ، ج اول (خلاصه جلد اول و دم) ، تهران ، ققنوس.
- ##. همان (1383ش) تاریخ ادبیات ایران ، جلد چهارم ، تهران ، انتشارات فردوس .
- ##. عراقی ، فخرالدین ابراهیم همدانی (1338ش) کلیات فخرالدین ابراهیم همدانی متخلص به عراقی ، به کوشش سعید نفیسی ، تهران ، انتشارات سنائی.
- ##. غزنوی ، سنائی (1320ش) دیوان سنائی غزنوی ، به سعی و اهتمام مدرس رضوی ، تهران ، شرکت طبع کتاب
- ##. کدکنی، محمد رضا شفیعی، (1394) در هرگز و همیشه انسان (از میراث عرفانی خواجه عبدالله انصاری، انتشارات سخن، تهران
- (
- ##. گرگانی، فخر الدین اسعد (1349ش) ویس و رامین ، تصحیح ماگالی تودوا - الکساندر گواخاریا ، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران
- ##. معزی ، امیر (1362ش) کلیات دیوان معزی ، با مقدمه و تصحیح ناصر هیری ، تهران ، نشر مرزبان .

##همدانی ، عین القضاة (1969م) نامه های عین القضاة همدانی ، به اهتمام علینقی منزوی و عفیف عسیران ، تهران ، انتشارات بنیاد و فرهنگ ایران.

##یاحقی ، محمد جعفر (1390ش) کلیات تاریخ ادبیات فارسی ، تهران ، سمت .

##<http://ganjoor.net>